

## بررسی تطبیقی نخستین عهد الهی در متون زرتشتی، قرآن کریم و عرفان قبالبی (از منظر خصوصیت‌ها و کارکردها)

صبا فدوی\*\*

عظیم حمزئیان\*

### چکیده

در برخی متون زرتشتی به ویژه متون پهلوی، نخستین عهد الهی به پیش از آفرینش جهان مادی باز می‌گردد؛ در حالی که در اوستا به چنین پیمانی اشاره نشده، همان‌گونه که نزد عرفای قبالبی زوهری اعتقاد به عهد ازلی عمومیت دارد؛ ولی در *تورات* و *تلمود* به آن پرداخته نشده است. در *قرآن کریم* نیز درباره نخستین عهد الهی سخن گفته شده که به عهد اُلت مشهور است، و اکثر مفسران آن را به پیش از آفرینش انسان بازمی‌گردانند. این جستار علاوه بر پرداختن به این موضوع به بررسی تحلیلی - تطبیقی نخستین عهد الهی در متون زرتشتی، *قرآن* و *زوهر* قبالبیان می‌پردازد؛ و نشان می‌دهد اعتقاد به چنین عهدی، به اهمیت پاسخ به سه پرسش اساسی انسان در خصوص مبدأ، هدف و مقصد آفرینش بازمی‌گردد؛ و زرتشتیان، قبالبیان زوهری و اکثر مسلمانان در اعتقاد به عهد ازلی و وجود پیشین ارواح، با یکدیگر هم عقیده‌اند؛ اما کارکردهای این عهد در هر آیین متفاوت است. علاوه بر این، با آن که بحث عهد ازلی پیش از اسلام نیز میان ایرانیان زرتشتی رواج داشته؛ ولی خصوصیات هر کدام با توجه به اصول اعتقادی شان، متفاوت بوده است؛ و نگاه اسلام در این خصوص، بر دو آیین دیگر از نظر تأکید بر عقل، اخلاق و توحید برتری دارد.

واژگان کلیدی: ۱. عهد ازلی، ۲. قرآن، ۳. زرتشت، ۴. قبالبی زوهری، ۵. عهد اُلت.

### ۱. مقدمه

«عهد» در لغت به معنی گردن گرفتن و حفظ امری است که فرد ملزم به نگهداری از

ahamzeian@semnan.ac.ir

fadavis@semnan.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۱

\* استادیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه سمنان

\*\* دانشجوی دکتری گروه عرفان و تصوف دانشگاه سمنان

تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۲۶

آن می‌باشد. در عربی میان عقد و عهد تفاوت جزئی وجود دارد؛ همان‌گونه که در انگلیسی میان «vow» و «covenant» که هر دو به معنای عهد به کار می‌روند، تفاوت وجود دارد؛ ولی گاهی vow به جای covenant استفاده می‌شود. در کتاب مقدس نیز vow، قول و عهدی است که به خداوند داده می‌شود و حالت یک طرفه دارد؛ ولی covenant به معنی توافق و تعهدی رسمی و دو طرفه است (۲۶، ص: ۲۳۱). عهد در زبان فارسی، «پیمان» و به معنی قول و قرارداد است که ازواژه پهلوی پَیمان و اوستائی پَیتی‌مان به معنی پیمودن و اندازه گرفتن، اقتباس شده است<sup>۱</sup>، هم‌چنین در زبان پهلوی «مهر» معادل دیگری برای «عهد» و مترادف با «پیمان» در زبان فارسی است (۳۳، ص: ۲۳۲).

در تمام کتب مقدس به بحث پیرامون عهد و لزوم وفاداری به آن پرداخته شده است؛ زیرا وفای به عهد یک واجب دینی محسوب می‌شود. عالی‌ترین شکل عهد، پیمانی است که میان خدا و انسان منعقد می‌شود؛ که آن را عهد الهی می‌نامند، و در چهار دین زرتشت، یهود، مسیحیت و اسلام، به عهد الهی اشاره شده است؛ ولی میان این عهدها در ادیان مختلف تفاوت وجود دارد؛ و از میان تمام عهدهای الهی، نخستین عهد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در اسلام نخستین عهد الهی به جهان غیرمادی بازمی‌گردد که به عهد «ألست» مشهور است<sup>۲</sup>. در پژوهش حاضر «نخستین عهد الهی» در متون زرتشتی، آموزه‌های قرآنی و ۱۸ صحیفه‌ی «زهر» عرفای یهودی-قبالایی- از دو منظر مورد بررسی قرار گرفته است، و نشان می‌دهد نخستین عهد الهی در هر یک از آن‌ها چه خصوصیت‌ها و کارکردهایی دارد، و با پرداختن به مفاهیم و زوایای مختلف این عهد به این پرسش پاسخ می‌دهد که میان زرتشتیان، مسلمانان و قبالییان در اعتقاد به عهد ازلی از این دو جهت چه اشتراک‌ها و اختلاف‌هایی وجود دارد<sup>۳</sup>؟

لازم به ذکر است که باتوجه به ارتباط بحث عهد ازلی با قوای روحانی، سعی شده است به این قوا به‌عنوان جوهری مجرد از ماده، به‌ترتیب در سه دین زرتشت، اسلام و یهود اشاره‌ای کوتاه شود.

در خصوص آموزه‌های زرتشتی و قبالایی کتاب‌ها و مقاله‌هایی به زبان فارسی و انگلیسی به رشته تحریر در آمده؛ ولی تاکنون پژوهشی با موضوع عهد الهی در آموزه‌های زرتشتی و نیز قبالایی صورت نگرفته است؛ البته با توجه به ارتباط این موضوع با عهد، روح و مراتب آن، می‌توان مقاله‌های «اوصاف و کارکرد یاریگران خداوند در اوستا و عهد عتیق» و مقاله «مقایسه تحلیلی مبدأ و مقصد روح در آیین زرتشت و یهود با سه اثر از عارفان مسلمان» هم‌چنین «مهر، خدای صلح و پیمان» و مقاله «فرجام شناسی انسانی در تفکر قبالا»، و «Vowing away the fifth Commandment: Matthew 15:3-6/Mark 7:9»

بررسی تطبیقی نخستین عهد الهی در متون زرتشتی، قرآن کریم و عرفان قبایلایی ۵

13» را به عنوان پیشینه تحقیق نام برد. هم‌چنین عهد اَلسِت در اسلام از جهات مختلف تفسیری، کلامی، فلسفی و عرفانی مورد بررسی قرار گرفته است، و گروهی از معاصران چون علامه طباطبایی، نصرالله پورجوادی، منظر سلطانی و... به جمع‌آوری و تفسیر دیدگاه‌های مختلف پرداخته‌اند. ولی تاکنون پژوهشی به صورت تطبیقی، با توجه به خصوصیت‌ها و کارکردهای نخستین عهد الهی صورت نگرفته است.

## ۲. عهد الهی در دین زرتشت

پیش از طرح مسأله عهد الهی در آموزه‌های زرتشتی، لازم است مختصری به بحث قوای مینوی در این آیین، پرداخته شود.

### ۱.۲. عالم و قوای مینوی در آموزه‌های زرتشتی

در آموزه‌های زرتشتی به‌ویژه در متون پهلوی<sup>۴</sup>، اهورامزدا، آفرینش جهان را در دو مرحله انجام داده است؛ او، نخست همه چیز را در حالتی غیرجسمانی پدید آورد که «مینو» نامیده می‌شود، به‌معنی جهانی پیش از آفرینش جهان استوار شده فعلی؛ و پس از آن به آفرینش «گیتی» -مادی و جسمانی- پرداخت (۲، ج ۲: ص: ۱۰۶۲)، اگرچه هستی مینوی بر هستی این جهان مادی-گیتی- تقدم دارد؛ ولی هستی گیتی نسبت به هستی مینوی دارای مزیت است؛ زیرا اهورامزدا آن را با صورت یافتن همه چیز کامل نمود و عرصه‌ای برای نبرد با بدی -انگرمینو<sup>۵</sup>- قرار داد؛ درحالی که جهان مینوی در مقابل تهاجم انگرمینو آسیب‌پذیر است (۴، صص: ۴۹-۵۰).

برخی بر این باورند که اعتقاد به وجود عالم روحانی پیش از خلقت جهان مادی، پس از حمله اسکندر به ایران، میان مغ‌ها رواج یافته است که ناشی از تأثیر فلسفه یونانی بر ایشان بوده؛ و با بحث «مَثَل» افلاطون که در اوایل قرن اول میلادی در شرق نفوذ کرده، در ارتباط است (۳۱، ص: ۱۷۴)؛ در حالی که برخی نظر داده‌اند این افلاطون بوده است که از زرتشت تأثیر پذیرفته است (۳۰، ص: ۸۶۹). با توجه به مواردی که در گات‌ها -کهن‌ترین بخش اوستا- در این خصوص بیان شده، نظر گروه دوم ترجیح داده شده است.<sup>۶</sup>

هم‌چنین «مینو» به‌معنی مثال یا هیأتی قوام نیافته، که آفریدگان پیش از آفرینش مادی خویش، در جهان مینوی داشته‌اند نیز، به‌کار می‌رود و از آن به خرد، روح و جوهر معنوی، تعبیر شده است (۲، ج ۲: ص: ۱۰۶۲)؛ در گات‌ها<sup>۷</sup> بیان شده است که انسان با قوای مینوی و روحانی آفریده می‌شود (رک. ۲، هات ۱۱/۳۱)؛ و در خصوص این قوا در هات ۲۶ آمده است: «اینک جان (أهو)، دین (دَنَنا)، بوی (بَئوَدَ) و روان (اورون) و فروشی نخستین آموزگاران و

نخستین آموزندگان کیش، مردان و زنان آشونی را که انگیزه پیروزی آشه بوده‌اند، می‌ستاییم»<sup>۸</sup> (۲، هات ۴/۲۶).

در *اوستا* و متن‌های معتبر زرتشتی، سخنی از فروشی مردم بدکردار نیست و خاص پرهیزکاران است: «فروهرهای نیک توانای مقدس پاک‌دینان را می‌ستاییم» (۳۰، آشینگاه/۴ و...؛ اگرچه در کتاب «صد در بندهش» به فروشی مرد گناه‌کار که به‌همراه بوی و روان در دوزخ به سر می‌برد، اشاره شده است (۲، ج ۲، ص: ۱۰۲۴).

فروردین‌یشت - سروده‌ی متعلق به فروشی‌ها در *اوستا* - حاوی فهرست بلندی از نام کسانی است که در گذشته می‌زیستند و سزاوار ستایش‌اند (۳۰، ص: ۲۱۸)؛ و در آن به نقش‌های مختلف فروشی‌ها اشاره شده است:

- یاری اهورامزدا و نگهداری از جهان مادی و پیروزی بر اهریمن
- پدید آوردن فرزند و یاری در فراخی نعمت
- حمایت از جنگاوران
- دفاع از خانه و خانواده و سرزمین (رک. ۲، فروردین‌یشت ۲، ۱۶، ۱۷، ۴۶ و...)

فروشی وفات یافتگان، نیازمند قربانی و فدیہ‌اند و اندیشمند و متکلم بوده و قادر به ایجاد ارتباط با زندگان هستند (۵، ص: سی و چهار). البته فروشی، خاص انسان نبوده و امشاسپندان، زمین و آسمان و گیاهان و جانوران و تمام مخلوقات نیک دارای فروشی هستند (۲، فروردین‌یشت، کرده ۸۶/۲۴). در بخش‌های مختلف *اوستا* نوین فروشی نیرومند سوشیانت‌ها، به طور ویژه‌ای، مورد ستایش قرار گرفته است (۲۲، ص: ۱۵۲). هم‌چنین در *اوستا* به فروشی اهورامزدا نیز اشاره شده است (۲، هات ۳/۲۳) که دارای برترین فروشی است.<sup>۱۰</sup>

لازم به ذکر است که در *اوستا* متقدم - گات‌ها - به «فروشی‌ها» هیچ اشاره‌ای نشده است؛ در حالی که در باقی بخش‌های *اوستا* فروشی‌ها ازلی و مورد ستایش بوده‌اند که این نشان از تمایزی مهم بین خدانشناسی و جهان‌بینی گات‌ها و *اوستا* نوین است که به پرستش ارواح نیک، ارواح بزرگان و پهلوانان و حکیمان در ایران باستان پیش از زرتشت در قالب نیاکان پرستی بازمی‌گردد (۳۰، ص: ۲۴۸)؛ زیرا در باورهای ایرانی پیش از زرتشت درباره آخرت، علاوه بر اصطلاح «اورون» - به معنی روان انسان فوت شده - فروشی نیز به چشم می‌خورد که احتمالاً به روان پهلوانان در گذشته اشاره دارد، و در روزگار پیش از زرتشت گاهی مفاهیم فروشی با مفاهیم مربوط به اورون قابل تفکیک نبوده و همانند انگاشته شده‌اند (۴، ص: ۳۸).

بررسی تطبیقی نخستین عهد الهی در متون زرتشتی، قرآن کریم و عرفان قبلائی ۷

برخی علت عدم توجه زرتشت به ایزدان و فروشی‌ها را با وجود آشنایی او با پیشینه تاریخی آن‌ها که میراث دوران طبیعت‌پرستی آریاییان کهن بوده است را مغایرت آن با روح کلی گات‌ها در بحث خداشناسی و آرمان یکتاپرستی می‌دانند (ص: ۱۰۳-۱۰۴).

## ۲.۲. نخستین عهد الهی در متون زرتشتی

بررسی محتوایی/وستا نشان می‌دهد که در مقدس‌ترین کتاب زرتشتیان به موضوع عهد الهی - پیمان اهورامزدا با آفریدگانش - اشاره‌ای نشده؛ ولی به لزوم وفاداری به پیمان تأکید ویژه شده است<sup>۱۱</sup>؛ به طوری که بخشی به نام مهریشت، به توصیف ایزد مهر یا پیمان، اختصاص داده شده است، ایزدی که نگاهبان راستی و درست پیمانی است و بر وفادار بودن به پیمان‌ها نظارت دارد، به همین علت از پیمان‌شکنان با نام «مهر دُروج» یا «مهر فریب» یاد می‌شود (ج ۲، ص: ۱۰۵۷). با بررسی دیگر متون زرتشتی، ردپایی از عهد الهی در مینوی خرد، بندهش و دینکرد، می‌توان یافت که در ادامه به آن می‌پردازیم.

در مینوی خرد<sup>۱۲</sup> آمده است: «اورمزد هنگامی که اهرمن را با همه آفریدگانش بر سر پیمان آورده بود، پس با همه‌ی ایزدان و امشاسپندان انجمن کرد و از خرد خویش سپاس‌گزاری کرد و (سپاس) بر زبان آورد» (۳۲، پرسش ۳۰/۵۶). آن‌چه از متن و شروح وارد بر آن قابل استنباط است این است که میان اهورامزدا و اهریمن و اهورامزدا و آفریدگانش پیمانی مجزا شکل گرفته؛ که در بندهش<sup>۱۳</sup> به شرح هر دو پرداخته است:

بر اساس آموزه‌های آفرینش، عمر جهان ۱۲۰۰۰ سال است که به چهار دوره‌ی ۳۰۰۰ ساله تقسیم می‌شود که در طول سه هزاره‌ی اول همه‌ی مخلوقات در مرحله مینوی به سر می‌برند و در آغاز سه هزاره‌ی دوم اهریمن از جهان تاریکی وارد مرز روشنی می‌شود و در این زمان اهورامزدا با او پیمان می‌بندد و برای جدال نیک و بد، زمانی ۹۰۰۰ ساله معین گردد؛ زیرا بنا بر خرد خود، آگاه بود که در پایان دوره ۹۰۰۰ ساله، اهرمن با آفرینش زمان‌مند از فعالیت باز می‌ایستد؛ و پس از عقد پیمان در سه هزاره‌ی دوم اهریمن بی‌هوش (گیج) می‌شود و مخلوقات از جهان مینوی به جهان مادی وارد می‌شوند و پس از پایان این دوره، در سه هزاره‌ی سوم با به‌هوش آمدن اهریمن دوران اختلاط آغاز می‌شود (ص: ۳۴-۳۸).

هم‌چنین در بندهش آمده است زمانی که اهورامزدا قصد نمود تا جهان مادی را بیافریند، در جهان مینوی با قوای روحانی فروشی و بوی مردمان اندیشید و خرد همه‌آگاه را به ایشان عرضه کرد (فراز برد) و چنین گفت: «کدام شما را سودمندتر در نظر آید؟ اگر شما را به صورت مادی بیافرینم و به تن با دروج بکوشید و دروج را نابود کنید شما را به فرجام درست و انوشه باز آریم و باز شما را به گیتی آفرینم، جاودانه بی‌مرگ، بی‌پیری و بی‌دشمن باشید یا شما را جاودانه پاسداری از اهریمن باید کرد؟» مردم نیز بر اساس خرد همه‌آگاه خود در

پاسخ به پرسش اهورامزدا برای مبارزه با اهریمن پاسخ مثبت داده و برای رفتن به جهان مادی همداستان شدند (۳، ص: ۵۰).

حال این پرسش مطرح می‌شود که کدام پیمان بر دیگری تقدم دارد، پیمان اهورامزدا و اهریمن یا اهورامزدا و صور روحانی؟ با توجه به بخش پیشین مفاد پیمان در بندهش: «تا پیش از آن که اهریمن آمد، همیشه نیم روز بود... [هرمزد] همه آفریدگان را بیافرید و با بوی و فروهر مردمان بسگالید و خرد همه آگاه را به مردم فراز برد...» (۳، ص: ۵۰). می‌توان نتیجه گرفت اهورامزدا پس از گرفتن پاسخ مثبت از صور روحانی برای پیکار با اهریمن، با هدف آفرینش جهان مادی به‌منظور غلبه بر اهریمن، با او پیمانی ۹۰۰۰ ساله می‌بندد؛ زیرا می‌داند که نابودی اهریمن منوط به نبرد با او در جهان مادی است.

علاوه بر مینوی خرد و بندهش، در دینکرد<sup>۱۴</sup> نیز به عهد الهی در جهان مینوی اشاره شده است: «چکیده عهد و پیمان کنش همگی مردمان، از نخستین تازش اهریمن بر آغاز آفرینش تا واپسین تازش اهریمن در فرجام آفرینش تنها یک سخن است: «یزدانی کردن روان تا بالاترین مرز باور»... از رهگذر این سخن نغز و به‌کارگیری آن در اندیشه و گفتار و کردار و رفتار همگی مردمان، هر آن سپاه دروج درهم می‌شکنند... از یورش اهریمن رهایی می‌یابند همه آفریدگان نیک در جاودانگی و بی‌مرگی و نامیرایی به‌سر خواهند برد» (۳۱، کتاب سوم، ج ۲، بند ۱۴۳). هم‌چنین آمده است: «پذیرفتن و به تندی رواج دادن پیمان آغازین و مینوی مردمان با خدا، یعنی پیروی از فرمان‌های شهریار، تنها عهد و پیمانی است که از نظر کاربست داد، چونان ریسمانی مردمی‌زادگان را در برابر همه گناهان سخت و ستوار می‌یابد و فراهم کننده‌ی آن نیرویی که برترین کار و ورزشاست» (همان: بند ۱۶۴).

با توجه به آن چه گفته شد نخستین پیمان الهی در دین زرتشت با خطاب کلی و سؤالی اهورامزدا، پیش از آفرینش جهان مادی هنگامی که اهریمن به مرز روشنی می‌رسد، در عالم مینوی آغاز می‌شود و قوای روحانی-بوی و فروشی- را مختار قرار می‌دهد که از میان زندگی جاویدان در عالم مینوی و درآمدن به قالب جسمانی و جنگ بر ضد اهریمن، یکی را برگزینند، و آن‌ها چون به‌وسیله خرد همه‌آگاه، بر پیروزی خود واقف بودند، برای مبارزه با اهریمن پاسخ مثبت دادند و به جهان مادی وارد شدند تا از طریق یزدانی کردن روان به‌وسیله پیروی از فرمان‌های اهورامزدا، اهریمن را شکست دهند و به زندگی جاویدان، بدون تهدید اهریمن، دست یابند.

۲.۳. در مجموع می‌توان خصوصیات عهد ازلی در دین زرتشت را در موارد زیر بیان کرد:

- محوریت این عهد در دین زرتشت بر مبنای نزاع میان اهورامزدا و اهریمن است.

- این عهد بر اصول سه گانه اخلاقی زرتشت تأکید دارد.
- مربوط به حوزه متافیزیک هستی شناسی زرتشتی است.
- آغاز پیمان اهورامزدا با آفریدگان مربوط به عالم مینوی و شکل گیری جهان مادی است.
- پیروی از اهریمن مانع تحقق عهد است.
- پیمان میان اهورامزدا و اهریمن در دوره خاصی از ظهور اهریمن یعنی اختلاط خوب و بد است.

#### ۲.۴. در مورد کارکردهای نخستین عهد الهی نیز می توان گفت:

- این عهد در نهایت جنبه اخلاقی دارد و برای رشد نیکوکاری و اخلاق نیکو است.
- اخلاقی شدن روح انسان ها همان یزدانی شدن آن ها است.
- باعث رهایی از حمله اهریمن و مقاوم شدن در برابر اقدام های او می شود.
- متعهد ماندن به عهد باعث جاودانگی و بقا است.

### ۳. نخستین عهد الهی در اسلام

نخستین عهد الهی، در دین اسلام از اهمیت و پیچیدگی خاصی برخوردار است، و اصل آن به آیه ۱۷۲ سوره اعراف بازمی گردد که گفته است: «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ: وَ (به خاطر بیاور) زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آن ها را برگرفت و آن ها را گواه بر خویشتن ساخت (و فرمود): «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری، گواهی می دهیم!» (چنین کرد مبادا) روز رستاخیز بگویید: ما از این، غافل بودیم». بنابراین نخستین عهد الهی به خطاب «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» و پاسخ «قَالُوا بَلَىٰ» با موضوع اقرار ذریات به حقانیت و ربوبیت خداوند بازمی گردد که به «عهد ألسنت» مشهور است؛ و اغلب اندیشمندان عالم ذر را همان عالم ارواح دانسته اند. البته آیات دیگری نیز وجود دارد که ارتباط موضوعی با آیه ألسنت دارند؛ از جمله: آیه ۶۰ سوره یس: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ؛ ای فرزندان آدم مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مپرستید زیرا وی دشمن آشکار شماست».

در خصوص عهد ألسنت دیدگاه های مختلفی نزد مسلمانان وجود دارد، برخی نیز مانند معتزله و قدریه آن را انکار و به طریقی متفاوت تأویل کرده اند. در این بخش به چهار نظریه مشهور قائلان به عهد ألسنت اشاره می شود:

- نظریه دنیای پیشین: این نظریه تفسیری ظاهری از آیه عهد أَلست محسوب می‌شود که به عالمی پیش از این عالم به نام «عالم ذر» بازمی‌گردد. بیشتر علمای اهل تسنن، مفسران و نیز برخی اهل تشیع بر این باورند که ارواح انسان‌ها پیش از آفرینش بدن‌ها آفریده شده‌اند (۱۷، ص: ۹۴). بر طبق این دیدگاه، انسان‌ها پیش از آفرینش و ورود به دنیا، در عالم ذر آفریده شدند و با خدای خود در یگانگی و ربوبیتش عهد و پیمان بستند و سپس به صلب آدم بازگشتند (۱۹، ص: ۲۳). برخی از عرفا نیز دارای نظری مشابه هستند؛ حتی برخی علاوه بر اعتقاد به عالم ذر، مدعی بودند که پاسخ خود را به «أَلست بریکم» کاملاً به‌یاد دارند؛ مانند سهل بن عبدالله تستری (د ۲۸۳ق). (۱۹، صص: ۳۴-۳۵).

- نظریه بیان واقع: اکثر اهل تشیع معتقدند که عهد و پیمان الهی در خلال این زندگی دنیوی اتفاق می‌افتد، و خداوند به‌وسیله عقل و وحی، با زبان انبیا از انسان پیمان گرفته است. طبق این دیدگاه، منشأ وحی همان موطن اخذ عهد أَلست است (۱۷، صص: ۹۵-۹۴).

- نظریه «فنا» در نشئه ربّانی: بیشتر عرفا قائل به چنین دیدگاهی هستند، و نظرات ابوالقاسم جنید بغدادی (د ۲۹۷ق.) مبنای اصلی نظریات عرفای پس از قرن سوم قرار گرفت که تفسیری عمیق‌تر از تفسیر ظاهری اهل سنت با صبغه نوافلاطونی و در رابطه با فنا، معرفت و محبت است او می‌گوید:

«خداوند خبر می‌دهد به تو که او چون به ایشان خطاب کرد، موجود نبودند مگر به وجودی که او به ایشان داده بود؛ زیرا موجودات در این جا به معنای دیگری وجود دارند که وجودشان برای خودشان نیست، و این معنای وجود داشتن را هیچ کس جز خداوند نمی‌داند و در نمی‌یابد. خداست که... آن‌ها را در بدایت در حال فنا [پس از] بقایشان مشاهده می‌کند، کسانی که در ازل ازلی‌اند. و این است وجود ربّانی و ادراک الهی که فقط شایسته اوست» (۶، ص: ۱۴۰).

در این جا سخن از دو نشئه وجودی است: بشری و ربّانی که وجود ربّانی مرتبه کامل‌تر وجود بشری است و برخلاف متکلمین و اهل سنت که خطاب أَلست بریکم و تصدیق آن را به مسئله ایمان بازمی‌گردانند، در این جا بحث محبت مطرح می‌شود، و تفاوت مقام افراد، به نسبت محبتی است که در سر آن‌ها پنهان است، ولی در هر دو نظر از میان همه ذریّات، ذریّه پیامبران از همه به خدا نزدیک‌تر و از میان پیامبران ذریّه حضرت محمد (ص) نزدیک‌ترین ذریّه به خدا است (۷، صص: ۲۱-۱۹).

از میان چهار دیدگاهی که عنوان شد، قائلان به نظریه دنیای پیشین و نظریه نشئه الهی، به وجود نفوس پیش از آفرینش بدن‌های مادی معتقدند، یکی در قالب عالم ذر و دیگری در قالب عالم ربّانی، و در هر دو نظر در نشئه اول، ذریّات دارای آلت ادراک و معرفت‌اند؛ زیرا اگر



بررسی تطبیقی نخستین عهد الهی در متون زرتشتی، قرآن کریم و عرفان قبلائی ۱۱

فاقد عقل و حواس بودند، نمی‌توانستند خطاب خداوند را بشنوند، لذت ببرند و درک کنند، و به آن پاسخ دهند (۲۱، صص: ۴۲۰-۴۱۶). در اختلاف میان عالم ذر و عالم ربّانی می‌توان گفت در نظر اغلب عرفا نشئه اول بر نشئه دوم تقدم زمانی ندارد، و این دو عالم فاقد هرگونه انفکاک و جدایی زمانی‌اند، و تقدمشان مانند تقدم «کُن» بر «فَیْکون» است (همان جا). ولی در هر دو دیدگاه، سرنوشت نفس در نشئه دوم (دنیا) بخشی از نشئه اول (عالم ذر یا ربّانی) است، و این دو باهم در پیوند هستند و فرد در هر دو نشئه هویت یکسانی دارد؛ و بازگشت او به اصل خود جز از طریق جذبات حق و پرداختن به شرع ممکن نیست (۱۵، ص: ۲۰۸). و در این صورت است که مستحق خطاب ابدی «إرجعی» - «یا اَیْتِهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ، إرجعی إلی رَبِّکِ رَاضِیَةً مَرْضِیَّةً» (فجر، ۲۷-۲۸) - می‌گردد.

۳.۱. در مجموع می‌توان خصوصیات نخستین عهد الهی در اسلام را چنین بیان

کرد:

- عهد بنا بر نظر مشهور مربوط به ابتدای خلقت بنی آدم پیش از عالم مادی است.
- محوریت عهد در مورد یکی از اصول اساسی دین اسلام یعنی توحید و نفی شرک است.
- در جریان عهد الهی شهادت شاهدان نیز وجود داشته است.
- نفوس انسانی شاهد و گواه این عهد بوده‌اند.
- مشاهده بی‌واسطه و علم حضوری نفس در مورد خالق و ربّ‌اش در آن زمان حاصل شده است.
- مسئله معرفت در این عهد مهم است.
- در جریان عهد، شهادت و اقرار وجود داشته است.
- بحث خالقیت و تأکید بر ربوبیت در محتوای عهد، مسئله مهمی است.
- عهد مربوط به حوزه متافیزیک هستی‌شناسی اسلامی است.
- عهد در ذریه آدم باقی مانده است و همه انسان‌ها مکلف به انجام آن هستند.
- شیطان مهم‌ترین مانع انجام این عهد است.

۳.۲. درباره کارکرد عهد اُلت در دین اسلام نیز می‌توان گفت:

- از نتایج مهم آن سعادت و رستگاری انسان‌ها است.
- در همه جوانب زندگی فردی و اجتماعی انسان جاری است و کاربرد همه جانبه دارد.
- موجب دور شدن انسان‌ها از شیطان و وسوسه‌های او می‌شود.
- نتیجه متعهد ماندن به این عهد خلود و جاودانگی در بهشت موعود است.

#### ۴. عرفان قبالی

به طور کلی عرفان یهود را می‌توان به سه بخش عرفان مرکابا، قبالا و حسیدیم تقسیم کرد؛ که برخی به دلیل سیطره عرفان قبالی نام عرفان قبالی بر عرفان یهود نهاده‌اند. از سوی دیگر عرفان قبالی خود به دو شاخه تقسیم می‌شود؛ یکی از کتاب «زهر» نشأت می‌گیرد که به آن قبالی زوهری یا نبوی گویند و دیگری قبالی لوریانی است که توسط اسحق لوریا ارائه شد و در قرن هفدهم بر جامعه یهود تسلط یافت (۲۷، ص: ۴ و ۲۸). در این جستار نیز منظور از عرفان قبالی، همان قبالی زوهری یا نبوی است.<sup>۱۵</sup>

قبالا واژه‌ای عبری از ریشه پذیرش، و مترادف با «سنت» است که به معنای پذیرش و انتقال سنت باطنی و مخفی پدران به کار می‌رود (۴۱، ذیل قبالا). دین یهود ذاتاً یک دین عرفانی نیست؛ اگرچه هر دینی زمینه‌ساز عرفان است؛ ولی یهودیت بر تجارب عرفانی یک بنیان‌گذار و تفاسیر مریدانش مبتنی نشده است، و ضوابط یهودیت خاخامی اجازه نداد که عرفان یهود به طور کامل در دنیای باطنی خود فرو رود، و به طور خاص، تاریخ پیدایش جنبش عرفانی یهود، که کمال آن در قبالی میانه است؛ هنوز مبهم و نامعلوم است (۱، صص: ۱۴۵-۱۴۷).

در مورد تاریخچه و نحوه شکل‌گیری عرفان قبالی، نظرات مختلفی وجود دارد که می‌توان آن را به دو دسته سنتی و آکادمیک تقسیم نمود، که ارائه نظرات آکادمیک در این خصوص هم چنان ادامه دارد. قبالیان سنتی معتقدند که سنت قبالا، از سوی خداوند در کوه طور بر موسی نازل شد، و به طور مخفیانه سینه به سینه و از نسلی به نسل دیگر منتقل گشت، که البته این مطلب تنها یک ادعا است و از نظر محققان قبالی فاقد شواهد تاریخی است (۳۴، ص: ۱۲۰). شولم معتقد است برای روشن‌سازی منشأ عرفان قبالی، لازم است که مورخان بدون توجه به این دست حکایات غیرتاریخی، به بررسی دقیق اسناد معتبر بپردازند (۳۷، ص: ۴). در پژوهش حاضر نیز به نظر پژوهشگرانی چون شولم و آنترن استناد شده است.

هنگامی که مرکزیت عرفان یهود از فلسطین به بابل منتقل گشت، سنت‌های عرفانی گذشته، با گرایش‌های رازآمیز محلی آمیخته گشتند و در قرن نهم میلادی این تعالیم عرفانی جدید به ایتالیا و سپس آلمان برده شد و در قرن ۱۲ و ۱۳ میلادی تحولاتی در اندیشه عارفان یهودی اروپای جنوب غربی، به وجود آمد.<sup>۱۶</sup>

حدود سال‌های ۱۲۸۶-۱۲۸۰م، مهم‌ترین اثر قبالیان اسپانیا با نام سفر زوهر -به طور خلاصه زوهر و به معنای درخشندگی و شکوه- به گونه‌ای اسرارآمیز به وجود آمد. «موشه لئون» مؤلف این، کتاب ادعا نمود که زوهر رونوشتی از یک نسخه خطی است که «ربی

بررسی تطبیقی نخستین عهد الهی در متون زرتشتی، قرآن کریم و عرفان قبایلایی ۱۳

شیمعون «در قرن دوم، بر مریدانش تعلیم داده است. البته چنین ادعایی ممکن است تنها جهت کسب اعتبار بیشتر برای کتاب زوهر باشد، ولی با توجه به سابقه درخشان موشه لئون، پذیرفتن این که او فردی جاعل بوده را مشکل می‌کند و قبائلیان و بیشتر علمای سنتی یهود بر اصالت این کتاب اذعان دارند. زوهر اگرچه به قلم موشه لئون نگارش شده است؛ ولی تعلیم آن تنها از حکیمی چون ربی شیمعون برمی‌آید؛ این کتاب اوضاع اسپانیای قرن ۱۳ را بازتاب می‌کند ولی بدنه اصلی آن به فلسطین قرن دوم بازمی‌گردد (۳۷، ص: ۱۰۸).

#### ۱.۴. روح و مراتب روحانی در عرفان قبایلایی

تا قرن سوم میلادی ربانیون برای روح ماهیتی مافوق طبیعی قائل بودند که مخلوق خداوند است و به تن مادی تعلق می‌گیرد؛ ولی از قرن سوم میلادی، بحث قدیم بودن روح مطرح شد، و معتقد شدند «گوف»<sup>۱۷</sup>، مخزن آسمانی است که ارواح در آن جای گرفته‌اند تا نوبتشان فرا رسد و در جسم زمینی داخل شوند (۲۹، ص: ۹۶).

به اعتقاد قبائلیان، وجود پیشین ارواح از قبل، در فردیت آن‌ها کامل شده و صورتی خاص یافته است؛ و علاوه بر اعتقاد به وجود پیشین ارواح به وحدت میان خدا، جهان و روح نیز تأکید دارند (۲۰، صص: ۳۱۰-۳۰۹).

در کتاب زوهر آمده است از روزی که خداوند عالم را آفرید و حتی پیش از آن که هستی خلق گردد؛ ارواح صادق در اراده الهی، هر یک به صورت خاص خویش، مکنون بودند. زمانی که حضرتش عالم را صورت بخشید آن‌ها نیز به فعل درآمدند و در قبال حضرتش به صور گوناگون خویش در عرش الهی قیام کردند و فقط از این پس بود که آن‌ها را در خزائن مکنون خویش در فردوس اعلی، جای داد. چنین مرحله‌ای که ارواح در جامه آسمانی مطهر، حضور دارند که از آن باعنوان وحدت عرفانی شاه و شخینا<sup>۱۸</sup>، تعبیر می‌شود. در این مقام پیش از وجود جسمانی، ارواح دارای درجات و تفاوت‌هایی بودند (۴۰، ص: ۱۶۵).

قبائلیان با توجه به دو مکتب فلسفی قرون وسطی یعنی تعالیم ارسطو و افلاطون و نیز با توجه به تأثیری که از فیلسوفان غرب و یهودی گرفتند، در کتاب زوهر به بحث مراتب روحانی و درجات آن پرداختند، که این مراتب شامل نفش<sup>۱۹</sup> (حیات: موجب تحرک)، روئخ<sup>۲۰</sup> (روان: تمییز دهنده خوب و بد) و نشاما<sup>۲۱</sup> (جان مقدس: نیروی شهودی) می‌باشد (۲۰، ص: ۳۰۹).

نشاما یک عنصر الهی یا خود عقل الهی است، عمیق‌ترین قوای باطنی است که منجر به فهم اسرار خداوند می‌شود. نشاما، برخلاف نفس طبیعی، نمی‌تواند گناه و عصیان کند و از آن‌جا که از خداوند است هرگز متحمل عذاب دوزخ نمی‌شود. ولی تنها به لطف تدبیر، فهم عرفانی قوای معرفتی و از طریق تعمق در اسرار تورات می‌توان به این مرتبه از نفس نائل

گردید، و عمیق‌ترین نیروی شهودی است که انسان را به سوی اسرار خداوند در عالم رهنمون می‌سازد (۴۰، ص: ۳۵۹).

#### ۲.۴. نخستین عهد الهی در دین یهود و عرفان قبالی

در دین یهود، نخستین عهد الهی که در *تورات* به آن اشاره شده، عهدی یک‌سویه است که خداوند با آدم ابوالبشر منعقد نمود و مفاد آن در سفر پیدایش چنین آمده است: «خداوند، آدم را در باغ عدن گذاشت تا در آن کار کند و از آن نگه‌داری نماید، و به او گفت: از همه میوه‌های درختان باغ بخور، بجز میوه درخت معرفت یا شناخت نیک و بد، زیرا اگر میوه آن را بخوری مطمئن باش خواهی مرد» (۲۵، سفر پیدایش). بر اساس این داستان، خداوند پس از آفرینش آسمان و زمین، آدم را خلق نمود و پیش از خلق حوا با آدم در سرزمین عدن عهد بست، که اگر به درخت معرفت نزدیک شود نابود خواهد شد.

هم‌چنین در *تلمود*، عهد و پیمان موضوع بحث دو رساله «نداریم» و «ناذیر» است؛ و محتوای این رساله‌ها بیشتر بر تعهد بین همسران و نذرهای زنان بازمی‌گردد (رک: ۳۸). مورد دیگر از عهد الهی در بخش «آدمی در آفرینش» کتاب *یشوع بن سیرا* است، که پس از برشمردن مراحل آفرینش که از ترتیب سفر پیدایش پیروی می‌کند و برشمردن توانایی‌هایی که خداوند بر آدمیان ارزانی داشته، بیان می‌دارد که خداوند «شریعت زندگی ارزانی‌شان داشت تا فهم کنند که میرنده‌اند همانان که اینک زنده‌اند. با ایشان عهد جاودانه بست، و احکام خویش بدانان شناساند، دیدگان ایشان عظمت جلال او را بدید، گوش‌هایشان شکوه آوای او را شنید»؛ سپس خداوند «ایشان را گفت: از هر بدی بپرهیزید، آنان را فرمان‌هایی بداد، به هر کدام در حق هم‌نوع خویش» (۲۰، ص: ۴۸۱). بر این اساس نخستین عهد الهی کتاب یاد شده به عهدی جاودانه پس از آفرینش انسان بازمی‌گردد، و مخاطبان این عهد الهی همه‌ی انسان‌ها هستند، و مفاد این عهد با توجه به محتوای آن، به اطاعت از فرامین الهی و احکام شرایع بازمی‌گردد.

ولی در خصوص نخستین عهد الهی در کتاب *عرفانی زوهر*، چنین آمده است که خداوند پیش از هبوط ارواح به عالم ماده، روح را مخاطب قرار داده و از او عهدی می‌گیرد تا رسالت خویش را که معرفت الهی و عرفانی و اعمال نیک است را بر روی زمین کامل کند و به واسطه این عهد بود که جهان مادی ساخته و بنا نهاده شد (۴۱، صص: ۱۶-۱۸ و ۳۳، ص: ۱۹۶). به‌طور کلی عرفای قبالی معتقدند هر روحی پیش از هبوط به جهان مادی با خداوند عهد می‌بندد و در پیشگاه او قسم می‌خورد که وظیفه خود که اصلاح خود و جهان است به درستی انجام دهد تا به جایگاه نخستین خود بازگردد (۳۷، ص: ۸۳) و این طریق رستگاری جز با

بررسی تطبیقی نخستین عهد الهی در متون زرتشتی، قرآن کریم و عرفان قبایلایی ۱۵

خواندن تورات، و فهم عرفانی قوای معرفتی امکان‌پذیر نیست (۳۷، ص: ۲۰۰)؛ هم‌چنین در زوهر آمده است هرکس تورات نخواند، فاقد روح مقدس یا «نشاما» است (۴۰، ص: ۱۶۵).

به اعتقاد عرفای قبایلایی، روح برای طی مسیر کمال در مقام ارضی، جامه‌ای<sup>۲۰</sup> عرفانی می‌پوشد؛ افراد گناه‌کار پس از مرگ به گونه‌ای عریان (بدون جامه)، یا نیمه عریان (با جامه ناقص)، به موطن اصلی خود بازمی‌گردند؛ یا در آتش جهنم تطهیر می‌شوند و یا می‌سوزند (۴۱، ص: ۱۸). و ارواح نیکوکاران، در باغ عدن، این جامه را که پیش از تشکیل بدن‌هایشان شکل گرفته است؛ به تن می‌کنند زیرا به اعتقاد ایشان، روح پیش از هبوط بر زمین، این جامه را به تن داشته است و آن را تا زمان کوتاهی پیش از مرگ، در جسم مادی خود، حفظ می‌کند؛ و اگر نیکوکار و یا تطهیر شده باشد دوباره آن را به دست می‌آورد و بالا می‌رود؛ چون پس از مرگ بخش‌های مختلف روح، که مأموریت خود را کامل کرده‌اند؛ به موطن اصلی خود بازمی‌گردند و بخش‌هایی که مرتکب گناه شدند، به جهنم منتقل می‌شوند تا تطهیر یا سوزانده شوند (۴۰، ص: ۴۵).

باید توجه داشت که نشاما، امری است الهی در باطن پیروان قبایلایی و عامل فهم اسرار خداوند و جهان، و در ورای گناه و خطا قرار دارد و هرگز به گناه آلوده نمی‌شود و در زوهر، تنبیه روح، اغلب به نفس و گاهی به روئح بازمی‌گردد (۲۰، ص: ۳۱۰).

با توجه به آن‌چه گفته شد، هدف نخستین عهد الهی، در عرفان قبایلایی، پیش از آفرینش جهان مادی، این است که خداوند، رسالت ارواح پس از هبوط به عالم جسمانی را، که معرفت الهی و اعمال نیک است؛ به آن‌ها گوش‌زد کند و سپس به آفرینش جهان مادی اقدام نماید؛ و نشاما به‌عنوان عنصر پاک الهی و باطنی‌ترین قوای روحانی انسان، عامل کسب معرفت توسط کسانی است که در تورات تعمق می‌کنند، او انسان‌ها را یاری می‌کند که به نخستین عهد خویش با خدا عمل کنند تا در عالم پس از مرگ با پیوستن به ارواح ایشان، آن‌ها را به وحدت الهی و جایگاه نخستین برساند؛ چون نشاما، به گناه آلوده نمی‌شود و در نهایت به آن جایگاه باز خواهد گشت و تنها کسانی که این روح مقدس همراهی‌شان می‌کند قادر به عروج هستند که همان ارواحی هستند که به عهد ازلی خود وفا کردند.

۳.۴. با توجه به مطالب بیان شده، نخستین عهد الهی در دین یهود یک‌سویه و با حضرت آدم پس از خلقت جهان مادی منعقد شده است، و تنها مختص به حضرت آدم است و نسل او را شامل نمی‌شود؛ ولی نخستین عهد الهی در عرفان قبایلایی خصوصیات دیگری دارد که می‌توان آن‌را به صورت زیر بیان کرد:

- این عهد میان خداوند و ارواح، پیش از جهان مادی منعقد شده است.
- در این عهد رسالت روح معرفت الهی و اعمال نیک است.

- از طریق پایبندی به شریعت یهود و کسب معرفت تحقق می‌یابد.
  - مربوط به حوزه متافیزیک هستی‌شناسی عرفانی قبلائی است.
  - به گسترش خیر و معرفت در جهان توسط ارواح شایسته توجه دارد.
- ۴.۴. از کارکردها و اهداف این عهد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- اصلاح روح و جهان انسانی
  - بیان انحصار معرفت در ساحت الهی
  - اصلاح روابط میان انسان‌ها در صورت اجرای عهد
  - شناخت عظمت و جلال الهی
  - بازگشت روح به موطن اصلی خود و رسیدن به وحدت.

### ۵. نتیجه

با توجه به مطالب مطرح شده می‌توان گفت که عهد الهی از مباحث مهم و مورد توجه ادیان الهی است و در میان این عهدها، نخستین عهد الهی از جایگاه و ارزش مهم‌تری برخوردار است.

موضوع این عهد که از جانب خداوند به عنوان خالق و آفریننده و پروردگار، با آفریدگانش بسته شده است، گویای رحمت و لطف بی‌پایان خداوند نسبت به بندگانش است و دارای خصوصیات و کارکردهایی است که به گرایش مؤمنان و پیروان ادیان در پیوستن و یا باقی ماندن و موجه بودن اعتقاداتشان کمک می‌کند. به‌طور کلی اهمیت اعتقاد به این عهد نزد زرتشتیان، مسلمانان و قبالیان به اهمیت پاسخ به سه پرسش اساسی انسان در خصوص مبدأ، هدف و مقصد آفرینش بازمی‌گردد؛ زیرا اعتقاد به عهد ازلی به هر سه پرسش پاسخ می‌دهد و مبدأ و مقصد را با انجام رسالت انسان که موضوع این عهد است؛ پیوند می‌زند و نمایی هدفمند، ازلی و ابدی را از انسان نشان می‌دهد.

مهم‌ترین خصوصیت مشترک میان زرتشتیان، مسلمانان و قبالیان در بحث عهد ازلی، تأکید بر اصول اندیشه‌هایشان است و ارتباط زمانی آن با حوزه متافیزیک هستی‌شناختی و اعمال خاصی که بندگانش باید انجام دهند؛ در آن آموزه‌ها و اندیشه‌ها مشخص است. هم‌چنین توجه به رستگاری و اهمیت دادن به بُعد روحانی و مقابله با وسوسه‌ها و خلود و نامیرایی از اهداف و کاربردهای مشترکشان است. توجه به جوانب مختلف اخلاقی و رعایت عقل مشترک خدادادی جزو پایه‌های مشترک موجود در آن‌هاست. از موارد اختلاف آن‌ها هم می‌توان به محدودیت و یا گستردگی موارد عهد و نیز توجه به عظمت و جلال الهی در موضوعات خاص و جاودانگی دین، نیز تفاوت هدایت‌گری آن‌ها، دانست.

بررسی تطبیقی نخستین عهد الهی در متون زرتشتی، قرآن کریم و عرفان قبلایی ۱۷

در مقایسه نخستین عهد الهی در دین زرتشت، اسلام و عرفان قبلای، می‌توان گفت دین اسلام از نظر تأکیدی که بر ربوبیت خداوند نموده، و وضوح و روشنی و همه‌جانبه بودن آن، و ادعاها و قوانین ماندگار و جهان شمول بر دو مورد دیگر پیشی دارد. هم‌چنین می‌توان گفت وجوه اشتراک این سه، ناشی از صبغه‌های معنوی و اخلاقی آن‌ها است که از حوزه فرامادی نشأت‌گرفته، و وجوه افتراقشان به واسطه تفاوت آن‌ها در معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی دینی است.

لازم به ذکر است نکته‌ای که در همه ادیان و آیین‌ها از نظر ساختاری مشترک است این است که آن‌ها از اندیشه‌های زمان خود و سطح دانش و معرفتی که وجود داشته، و هم‌چنین رسالتی که به عهده داشته‌اند، متأثر بوده‌اند؛ و محور این دستورها و اندیشه‌ها، اخلاق و اصول بنیادی آن و عقل مشترک انسانی است.

## یادداشت‌ها

۱. لغت‌نامه معین: ذیل پیمان.
۲. «این ماجرا کاملاً اسلامی است و در منابع یهودی و مسیحی اصلاً از چنین میثاقی سخن به میان نیامده است» (۶، ص: ۱۶).
۳. پژوهش حاضر می‌تواند پاسخی به این پرسش باشد که چرا صوفیان و شاعران صوفی مشرب ایرانی بیش از دیگر مسلمانان، به عهد اُلسْت علاقه نشان داده و درباره آن سخن گفته‌اند؟ (۹، ص: ۱۶). زیرا نشان می‌دهد بحث عهد ازلی پیش از اسلام نیز میان ایرانیان زرتشتی رواج داشته و مورد اعتقاد ایشان بوده است، و وجود این ریشه‌های اعتقادی کهن می‌تواند علتی باشد که عرفای ایرانی پس از اسلام، بیش از دیگر مسلمانان به این بحث علاقه نشان داده‌اند. هم‌چنین می‌تواند سندی بر نفوذ عقاید زرتشتی و اسلامی در عرفان قبلایی باشد؛ هرچند اثبات این موضوع تنها با تکیه بر تقدّم و تأخر تاریخی آرا و مکاتب ممکن نیست.
۴. «او آفرینش مادی را نخست به مینوئی آفرید» (۳، ص: ۳۸).
۵. سپنتامینو و انگره‌مینو - دو مینوی نخستین - که پیش از پیکار این دو، جریان زندگی فقط به صورت روحانی یا مینوی وجود داشت (۲، ج ۴، ص: ۳۰).
۶. «از آن تو بود «آرمیتی» نیز از آن تو بود «خرد مینوی» جهان‌ساز... (۲، هات ۹/۳۱) و «چه کسی «شهریاری مینوی» و «آرمیتی» ارجمند را بیافرید؟» (۲، هات ۷/۴۴).
۷. عقاید اصلی زرتشتیان در بخش الهیات و اخلاقیات در کتاب گات‌ها نقل شده است که بخش فلسفی آموزه‌های زرتشت محسوب می‌شود (۳۱، ص: ۲۱۳).
۸. جان: نیروی زیست که وظیفه نگهداری از تن را به‌عهده دارد و با تن به هستی می‌آید و با آن نابود می‌شود.

دین: در اوستا به معنای وجدان و دریافت روحانی انسان است که بی‌آغاز و بدون فرجام است و انسان را به سوی نیکی هدایت می‌کند.

بوی: نیروی دریافت، فهم و درک انسان که حافظه و هوش و قوه تمیز را اداره می‌کند و پس از مرگ زنده می‌ماند و به روان می‌پیوندد.

روان: همان روان است که مسئول کردار انسان بوده و گزینش خوب و بد را به عهده دارد و پس از مرگ پاداش یا عذاب دریافت می‌کند. اگر فرد نیک‌کردار باشد روان او به فروشی می‌پیوندد [پس از مرگ، روان انسان به فروهر می‌پیوندد تا نامیرا گردد (۳، صص: ۴۸-۴۹)] و در بهشت ساکن می‌شود؛ ولی اگر بدکردار باشد به تنهایی در دوزخ رنج می‌بیند (۵، ص: سی).

فروشی: در پارسی باستان «فرورتی» و در پهلوی «فروهر» نام پنجمین نیروی مینوی آفریدگان است، به معنی دلیری و یا به معنی پشتیبانی کردن که پیش از آفرینش گیتیانه و هستی تن وجود داشته و پس از زوال تن و مرگ نیز پایدار می‌ماند (۲، ج ۲، ص: ۱۰۲۴). فروشی عالی‌ترین نیروی مینوی وجود انسان، (۱۶، ص: ۱۲۶) و دارای سه مرحله‌ی وجودی مینوی، زندگی مادی و زندگی پسین است (۱۶، ص: ۱۵). فروشی‌ها در متون پهلوی پیش از آفرینش جهان مادی به صورت مینوی بوده‌اند؛ و از زمان ورود انسان به عالم جسمانی هدایت‌کننده‌ی او به سوی اهورامزدا هستند (همان، ص: ۱۵).

۹. فروشی همان فرورتی و جمع آن در فارسی دری، فروردین است (۵، ص: ۷۷).

۱۰. «در میان همه‌ی این فروشی‌های ازلی، اینک فروشی اهورامزدا را می‌ستاییم که بزرگ‌تر و بهتر و زیباتر و... است» (۲، فروردین‌یشت/ ۸۰-۸۱).

۱۱. «مبادا که پیمان بشکنی: نه آن که با دُرُوند [پیرو دروج] بسته‌ای و نه آن که با اَشَوَن [پیرو اشه] بسته‌ای...» (۲، مهریشت: کرده ۲/۱).

۱۲. مینوی خرد (۶۲ پرسش) بازمانده از مؤلفی ناشناس احتمالاً متعلق به دوران ساسانی است (۵، ص: هشت).

۱۳. بندهش توسط فرنیغ در اواخر سده سوم هجری و به اعتقاد برخی توسط نویسنده‌ای ناشناس در سال‌های ۸۸۱ یا ۸۶۲ میلادی تألیف شده است (۵، ص: هفت، ۲، ج ۲، ص: ۹۴۸).

۱۴. دینکرد یا دینکرت کتابی معتبر به زبان پهلوی است که در قرن نهم میلادی توسط آذرفرنبغ در بغداد نوشته شده است و به دست آذرباد تکمیل گشت. در این کتاب اصول و عقاید زرتشت نقل و مندرجات اوستا تفسیر شده است و از میان نسک‌های اوستا آن‌چه را پس از انقراض ساسانیان باقی مانده یا مفقود شده را معلوم داشته است (۳۱، ص: ۱۰۶).

۱۵. در مکتب عرفانی زوهری اگرچه عرفا مسائل غامض مذهبی را مورد بررسی قرار داده و برای آن‌ها پاسخ‌هایی ارائه کردند؛ ولی بخش وسیعی از آرا و نظریات ایشان هنوز دست نخورده باقی مانده است؛ که شولم علت آن را خصوصت منتقدان و بی‌اعتنایی مدافعان به این حوزه می‌داند که موجب شد تا شیادان و متقلبان وارد این حیطه شده و شروع به تفسیر و توجیه عرفان قبالیی نمایند (۲۰، ص: ۴۸).



بررسی تطبیقی نخستین عهد الهی در متون زرتشتی، قرآن کریم و عرفان قبلائی ۱۹

۱۶. می‌توان پروانس را خاستگاه عرفان قبلائی قرون وسطی دانست که در آن بسیاری از متون فلسفی-عرفانی عربی به عبری برگردانده شد و از آن با عنوان عرفان اشراقی یاد می‌شود (۱، ص: ۱۵۱). می‌توان گفت تأثیر تعالیم اسلامی بر عرفان یهودی نتیجه نهضت ترجمه متون عربی به عبری بوده است (۳۷، ص: ۱۹).

#### 17. Guf

۱۸. Shekhinah: به طور کلی، شخینا واسطه‌ی میان ان سوف (خدای نامتناهی) و جهان طبیعت است که بدون آن، جهان ما هماهنگی خود را از دست می‌دهد. واژه‌ی شخینا اگرچه اولین بار در تلمود به کار رفت؛ اما در طی قرون متمادی مفهوم اولیه‌ی خود را از دست داد و در سنت قبلا، معنای جدیدی یافت، تبدیل به عنصری زنانه در خداوند می‌شود و به عنوان اولین مخلوق و اولین آفریده به شمار می‌رود (۱۸، صص: ۵۷-۷۶).

#### 19. Nefesh

#### 20. Ruah

#### 21. Neshamah

#### 22. Garment

### منابع

\* قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

۱. اوستا، کهن‌ترین سرودهای ایرانیان، (۱۳۹۴)، گزارش و پژوهش جلیل دوست‌خواه، چاپ شانزدهم، تهران: مروارید.
۲. آنترمن، آلن، (۱۳۸۵)، باورها و آیین‌های یهودی، مترجم رضا فرزین، قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۳. بندهش، (۱۳۹۰)، گردآورنده فرنیغ دادگی، مترجم مهرداد بهار.
۴. بویس، مری، (۱۳۸۱)، زردشتیان، باورها و آداب دینی آن‌ها، ترجمه عسکر بهرامی، تهران: ققنوس.
۵. بهار، مهرداد، (۱۳۵۳)، اساطیر ایران، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۶. البغدادی، ابوالقاسم الجنید، (۱۴۲۵ق)، رسائل الجنید، به تصحیح جمال رجب سیدی، دمشق: دار اقرأ للطباعة و النشر و التوزیع.
۷. پورجوادی، نصرالله، (۱۳۶۹)، «عهد آلت، عقیده ابوحامد غزالی و جایگاه تاریخی آن»، معارف، شماره ۲: صص: ۳-۴۱.
۸. پورجوادی، نصرالله، (۱۳۸۱)، دو مجد (پژوهش‌هایی درباره فخر رازی و محمد غزالی)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۹. پورجوادی، نصرالله، (۱۳۹۳)، عهد اُست، تهران: فرهنگ معاصر.
۱۰. خرده اوستا، بخشی از کتاب اوستا، (۱۳۸۰). تفسیر ابراهیم پورداوود، تهران: اساطیر.
۱۱. حاج ابراهیمی، طاهره و رامیشی، شهربانو، (۱۳۹۲)، «فرجام شناسی انسانی در تفکر قبلا»، پژوهش‌های ادیبانی، شماره ۱، صص: ۸۱-۱۰۲.
۱۲. حاجتی شورکی، سیدمحمد؛ حسنی، سیدعلی، (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی واژگان قرآنی و اوستایی درباره ساحت غیرمادی انسان»، معرفت/ادیان، ش ۳۲: صص: ۷-۲۲.
۱۳. حیدری، حسین و آقاجانی، محمد، (۱۳۹۱)، «اوصاف و کارکرد یاریگران خداوند در اوستا و عهد عتیق (بررسی تطبیقی)»، ادیان و عرفان، ش ۱، صص: ۲۱-۴۱.
۱۴. دینکرد، کتاب سوم، درس‌نامه‌ی دین مزدایی، (۱۳۸۴)، ترجمه فریدون فضیلت، تهران، مهرآیین.
۱۵. رازی، نجم‌الدین، (۱۳۱۲)، مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد، به اهتمام حسین حسینی نعمت‌الهی (شمس‌العرفا)، [بی‌جا، بی‌نا].
۱۶. ریاضی هروی، شیدا؛ شمشیری، بابک، (۱۳۹۳)، «نگاهی به انسان شناسی زرتشت و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن»، معرفت/ادیان، ش ۱۸، صص: ۱۱۹-۱۳۵.
۱۷. سلطانی، منظر، (۱۳۸۹)، «بررسی مفهوم الست از دیدگاه عارفان تا قرن هشتم ه.ق»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۶۸، صص: ۹۱-۱۲۷.
۱۸. سلیمانی، لیلا، (۱۳۹۲ الف)، «بررسی جنبه تاریخی، سیر تطور و حجیت اوستا کتاب مقدس زرتشتیان»، جلد اول، بوشهر: کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
۱۹. سلیمانی، مرضیه، (۱۳۹۲ ب)، «خاستگاه‌های عرفان یهودی»، کتاب ماه دین، شماره ۱۸۸، صص: ۱۷-۱۹.
۲۰. شولم، گرشوم، (۱۳۸۵)، جریانات بزرگ در عرفان یهودی، مترجم فریدالدین رادمهر، تهران: انتشارات نیلوفر.
۲۱. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، جلد ۸، ترجمه محمدباقر موسوی، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۲. عرب، مهین، (۱۳۹۳)، «منجی موعود در ادیان بزرگ قبل از اسلام»، الهیات تطبیقی، ش ۱۱: صص: ۱۴۹-۱۶۸.
۲۳. الفراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۳۸۳)، ترتیب کتاب العین، تحقیق مهدی المخزومی، ابراهیم السامرائی؛ تصحیح اسعد الطیب، ج ۷، چاپ دوم، قم: نشر اسوه.

بررسی تطبیقی نخستین عهد الهی در متون زرتشتی، قرآن کریم و عرفان قبلائی ۲۱

۲۴. قنبری، بخشعلی و مهدیه، فاطمه، (۱۳۸۹)، «شیخنا در قبلا»، پژوهشنامه ادیان، ش ۸، صص: ۵۷-۷۶.

۲۵. کتاب مقدس، عهد عتیق و عهد جدید، (۱۳۸۰)، ویلیام گلن و هنری مرتن، ترجمه فاضل خان همرائی، تهران: اساطیر.

۲۶. کتاب‌هایی از عهد عتیق، (۱۳۹۰)، کتاب‌های قانونی ثانی بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، ترجمه پیروز سیار، تهران: نی.

۲۷. کرمانی، محمد بهزاد، (۱۳۸۷ الف)، «قبلا یا کابالا، معرفی اجمالی عرفان یهود»، انسان پژوهشی دینی، شماره ۱۵، صص: ۳۱-۴۶.

۲۸. کرمانی، محمد بهزاد، (۱۳۸۷ ب)، «ارتداد رازگونه، کندوکاوی در عرفان سیاسی یهود»، انسان پژوهی دینی، شماره ۱۶، صص: ۳-۱۸.

۲۹. کهن، راب. آ.، (۱۳۵۰)، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرکانی، تهران: چاپخانه زیبا.

۳۰. گیگر، ویلهلم؛ هینتس، والتر و ویندیشمن، فردریک، (۱۳۸۲)، زرتشت در گاتاه (حکمت، عرفان، بنیادهای اخلاقی، جهان‌بینی و فلسفه سیاسی)، ترجمه متون کلاسیک یونان درباره زرتشت و مغان، مترجم هاشن رضی، تهران: سخن.

۳۱. مستتر، جیم. د.، (۱۳۸۸)، تفسیر/وستا، ترجمه موسی جوان، چاپ سوم، تهران: دنیای کتاب.

۳۲. مینوی خرد، (۱۳۵۴)، ترجمه احمد تفضلی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

۳۳. نجمی، شمس الدین، (۱۳۸۴)، «مهر، خدای صلح و پیمان»، مطالعات ایرانی، ش ۷، صص: ۲۳۱-۲۴۳.

34. Hirsch, B., (2005), "In the Likeness of a Jew: Kabbalah and the Merchant of Venice", *Ben Jonson Journal*, Vol. 12, pp. 119-140.

35. Hyman, T. Ronald, (2009), "Four Acts of Vowing in the Bible", *The Jewish Bible Quarterly*, Vol. 37, No. 4, pp. 231-238.

36. Scholem, G., (1962), *Origins of the Kabbalah, Ursprung und Anfänge der Kabbala*, German translated by The Jewish Publication Society.

37. Scholem, G., (1995), *Major Trends in Jewish Mysticism*, New York: Schocken Books.

38. *The Babylonian Talmud*, (1918), translated by Michael L. Rodkinson, volume 1-10.

39. *The Zohar*, (2003), Pritzker Edition, Vol. 1, translation and commentary by Daniel C. Matt.

40. *The Zohar*, (2009), Pritzker Edition, translation and commentary by Daniel C. Matt, Vol. 5.

41 <http://jewishencyclopedia.com/articles/9107-kabbalah>

